

دکامرون و بوکاتچو



جووانی بوکاتچو یکی از بزرگ‌ترین شعرا و نویسندگان ایتالیاست، که در سال ۱۳۱۳ میلادی چشم به جهان گشود. این ادیب بزرگ آثار زیادی نوشت که یکی از مهم‌ترین آن‌ها دکامرون نام دارد. سال دقیق نگارش دکامرون مشخص نیست، اما در مقدمه‌ی کتاب از بیماری طاعونی یاد شده است که در سال ۱۳۴۸ میلادی در فلورانس شیوع پیدا کرده و در این سال بوکاتچو سی و پنج ساله بوده است.

شیوع طاعون چنان وحشتناک و دل‌خراش بود که در تاریخ به نام «مرگ سیاه» معروف گردید و شصت درصد مردم بعضی از شهرهایی مانند فلورانس را نابود کرد. شدت این فاجعه به اندازه‌ای بود که حیوانات بسیاری را نیز از بین برد. بوکاتچو در این زمینه شاهد واقعه‌ای بوده است که آن را این‌گونه نقل می‌کند: «زیلوه‌ای مرد طاعون گرفته‌ی فقیری را که به‌تازگی مرده بود میان کوچه‌ای جلو خانه‌اش انداخته بودند. در همان وقت دو خوک که از کوچه رد می‌شدند، بر روی زیلوه‌ها رفته و پوزه‌ی خود را به آن‌ها مالیدند و گوشه‌های زیلو را در دهان خائیدند. هنوز یک ساعت نگذشته بود که هر دو خوک چرخ‌ی به دور خود زده، بر زمین افتادند و در حال جان دادن.» (دکامرون: ۶) به هنگام شیوع این بیماری گروهی متشکل از هفت زن و سه مرد از شهر فلورانس می‌گریزند و به روستا یا کاخی خارج از شهر پناه می‌برند، تا خطر طاعون برطرف شود و آن‌ها به شهر بازگردند. این ده نفر با هم قرار می‌گذارند که برای سرگرمی، گریز از خستگی و یک‌نواختی زندگی، هرکدام در هر روز، یک

چاپیده

با وجود آن‌که بیش از پنجاه سال از نخستین ترجمه‌ی «دکامرون» به زبان فارسی می‌گذرد، این کتاب که از آثار کلاسیک ادبیات ایتالیاست، در ایران به‌خوبی شناخته نشده است. این مقاله معرفی کوتاهی از این کتاب و نویسنده‌ی آن است.

کدواژه‌ها

بوکاتچو، دکامرون، طاعون، هزار و یک شب، فلورانس

صفرعلی کریمی

کارشناس زبان و ادب فارسی و دبیر دبیرستان‌های اصفهان



قصه‌گویی هاست. این مجموعه شامل صد قصه است و علاوه بر این که بلوغ فکری نویسنده‌اش را نشان می‌دهد، نمایشگر زندگی و اندیشه‌ی مردم در قرون وسطا نیز هست. بوکاتچو در مقدمه‌ی دکامرون درباره‌ی علت تألیف این کتاب این‌گونه می‌نویسد: «حکایت‌های من حاوی سرگذشت‌های عشقی است که شادی و حسرت، کام‌یابی و ناکامی عشاق در آن منعکس است. این داستان‌های کوچک به عهد و زمان خاصی تعلق ندارند و گل‌هایی جاویدان‌اند که همیشه شاداب خواهند ماند. بانوانی که برای آن‌ها این مجموعه را گرد آورده‌ام از این کتاب، دو نتیجه خواهند گرفت: از حوادث آن عبرت می‌گیرند و در عین حال پنجه‌های گران‌بهایی در آن خواهند یافت. آن‌چه هزل است به دور خواهند ریخت و آن‌چه جدی است به دل خواهند ریخت و به‌خاطر خواهند سپرد. از بدی‌های آن دوری خواهند کرد و خوبی‌هایش را سرمشق زندگی خویش قرار خواهند داد.»

ادبیات جهان

دوره‌ی بیست و سوم
شماره‌ی ۸۹
شماره‌ی سه
فروردین ۱۳۹۲



مرا آواره خواهد کرد ابراهیم چشمانت
و اسماعیل گونه می شوم تسلیم چشمانت
چه می شد گر من و ساقی به حساب الحال مشتاقی
شبی بیتوته می کردیم در اقلیم چشمانت؟
من و یک قبله بسم الله و بوی آیه الکرسی
من و یک آسمان تا شده از بیم چشمانت
غدیری می وزد از سمت اشراق نگاه تو
تبارک هم خدا گفته است از ترسیم چشمانت
دوباره آتشی افتاده بر جان غزل هایم
دوباره عشق فتوا داده بر تعظیم چشمانت
غزل آورده ام اذن شرف یابی بده آقا
که با دلواپسی هایم کنم تقدیم چشمانت!
معصومه وحدانی (بجنورد)



گر بیایی می توان چون گل شکفت
می توان پرواز کرد و شعر گفت
می توان پروانه شد پرواز کرد
می توان با قاصدک راز کرد
گر بیایی قطره دریا می شود
زنگانی سهل و پویا می شود
گر بیایی حاجت صاحب دلان
استجابیت می شود اندر جهان
گر بیایی می توان آزاد شد
می توان غم را زدود و شاد شد
می توان این دردها را با تو گفت
غصه ی گلبرگ ها را با تو گفت
گر بیایی ناامیدی می رود
چند رنگی و پلیدی می رود
می توان بیک رنگ بود و شاد بود
از محبت های هم دلشاد بود
گر بیایی نورباران می شود
بادیه چون سبزه زاران می شود

کتاب دکامرون نخستین بار توسط آقای حبیب شنوقی در دهه‌ی سی به زبان فارسی ترجمه و چاپ شد و بار دوم مرحوم محمد قاضی آن را ترجمه و در سال ۱۳۷۹ منتشر نمود

(انسان مبارز: ۱۴۷) شیوه و سبک کتاب دکامرون تقریباً شبیه کتاب هزار و یک شب است. اما این که آیا بوکاتچو این سبک را از هزار و یک شب تقلید کرده است یا ابداع خود اوست، مورد تردید محققان است، زیرا چاپ هزار و یک شب به زبان فرانسه بین سال‌های ۱۷۰۴ تا ۱۷۱۷ میلادی توسط «آنتوان گالان» صورت گرفته و این زمانی است که چندین قرن از دوران زندگی «بوکاتچو» گذشته است. مقام و جایگاه بوکاتچو در ادبیات ایتالیا آنچنان است که به او القابی مانند «بزرگ‌ترین قصه‌پرداز ادب ایتالیا» و «پدر نثر ایتالیا» داده‌اند و او را برابر با «دانته» دانسته‌اند. بوکاتچو به جز دکامرون آثار بسیار دیگری پدید آورد که بعضی از آن‌ها عبارت‌اند از: «شکار دینا، فیلوکولو، تزئید، رؤیای عاشقانه، فیامتا، فیلوسترانو، کورباتچو، نسب‌نامه‌ی خدایان دوره‌ی شرک، ترانه‌های شبانی و...».

بوکاتچو سرانجام در روز بیست و یکم سال ۱۳۷۵ میلادی در شصت و دو سالگی زندگی را بدرود گفت. کتاب دکامرون نخستین بار توسط آقای حبیب شنوقی در دهه‌ی سی به زبان

مجموعه‌ی دکامرون شامل صد قصه است و علاوه بر این که بلوغ فکری نویسنده‌اش را نشان می‌دهد، نمایشگر زندگی و اندیشه‌ی مردم در قرون وسطا نیز هست

فارسی ترجمه و چاپ شد و بار دوم مرحوم محمد قاضی آن را ترجمه و در سال ۱۳۷۹ منتشر نمود.

داستان «سرانجام عشق» نیز از کتاب دکامرون انتخاب شده و توسط نویسنده‌ی این مقاله به نظم درآمده است. نام قهرمان در کتاب دکامرون، «فدریگو Federigo» و نام زن «مونا جیووانا Mona Giovanna» است.

منابع

۱. بوکاتچو، جوانی، دکامرون، ترجمه‌ی محمد قاضی، ج ۱، انتشارات ماز، ۱۳۷۹، ۲۰.
- بوکاتچو، ژان، دکامرون، ترجمه‌ی حبیب شنوقی، چاپ کیهان، ۱۳۳۸، ۴۰. شهباز، حسن، سبیری در بزرگ‌ترین کتاب‌های جهان، ج ۲، چاپ اول، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۵۵، ۴۰.
- خانلری، زهرا، فرهنگ ادبیات جهان، ج ۱، انتشارات خوارزمی، ۱۳۷۵، ۵۰. نایدر، چارلز، انسان مبارز، ترجمه‌ی پرویز مرزبان، مؤسسه‌ی مطبوعاتی علی‌اکبر علمی، ج ۱، بی‌تا.